



عاقبت اندیشی از لوازم مدیریت صحیح است/عاقبت اندیشی همان تدبیر داشتن است

در اندیشه سیاسی امیرمؤمنان علی(ع) عاقبت اندیشی و آینده نگری از چنان اعتبار و اهمیتی برخوردار است...

خبرگزاری مهر - در اندیشه سیاسی امیرمؤمنان علی(ع) عاقبت اندیشی و آینده نگری از چنان اعتبار و اهمیتی برخوردار است که زندگی و کار و حرکت بدون آن، فاقد هر خیری است. کسانی که اهل عاقبت اندیشی و آینده نگری نیستند پیوسته در معرض اشتباه و لغزش و سقوط قرار دارند. «#مصلحة بن هبیره» که از فرمانداران امام علی (ع) بود، اسیران «#بنی ناجیه» را از «#معل بن قیس» فرمانده لشکر امام(ع) خرید و آزاد ساخت، اما هنگامی که امام(ع) از او مطالبه پرداخت غرامتها را به بیت المال کرد امتناع ورزید و به سوی شام فرار نمود!

امام علی(ع) در این مورد فرمود: خدا روی «#مصلحة» را سیاه کند، کار بزرگواران را انجام داد(برده ها را خرید و آزاد ساخت) اما خود همچون بردگان فرار کرد، هنوز ثناخوان به مداحیش نپرداخته بود که او را ساکت نمود و هنوز سخن ستایشگران به پایان نرسیده بود که آنها را به زحمت انداخت! اما اگر(مردانه) ایستاده بود همان مقدار که داشت از او می پذیرفتیم و تا هنگام قدرت و توانایی به او مهلت می دادیم.

اسیران بنی ناجیه که بودند و اصل جریان چه بوده است؟

شخصی بنام «#خریت بن راشد» از قبیله بنی ناجیه پس از جریان حکمین با 30 نفر از یارانش نزد امام آمد و گفت: «#لا والله لا اطیع امرک و لا اصلی خلفک و انی غدا لمفارق لك: نه به خدا سوگند دیگر فرمانت را اطاعت نمی کنم پشت سرت نماز نمی خوانم، فردا از تو جدا خواهم شد.» امام فرمود: «#بنابراین عهدت را شکسته ای و خدایت را عصیان نموده ای، ولی اگر خواسته باشی حاضرم با تو صحبت کنم و درباره آنچه از تو آگاه ترم روشنت سازم» او قول داد فردا برای صحبت با امام (ع) حاضر شود، امام فرمود: ولی مواظب باش شیطان تو را نفریبد... .

اما او فردا فرار کرد و خدمت امام(ع) نیامد، امام از این جهت که امکان داشت فساد براه اندازد، زیاد بن خصفه را طبق پیشنهاد خودش فرمان داد به تعقیب او رود و در «#دیر ابو موسی» توقف کند تا فرمان ثانوی امام(ع) به او برسد. از طرفی امیرمؤمنان(ع) به وسیله نامه از تمام فرمانداران خود خواست تا آگاهی خود را نسبت به خریث گزارش کنند...

پیکی از جانب «#قرظة بن کعب» یکی از فرمانداران امام(ع) به وسیله نامه ای گزارش داد که به سمت فرات رفته و «#ذاذان فروخ» را که از دهقان های طرفدار امام بوده به جرم طرفداری او کشته، در صورتی که يك نفر یهودی را به عنوان ذمی بودن آزاد نموده است امام وسیله نامه ای به «#زیاد بن خصفه» فرمان داد به خاطر خونی که او و طرفدارانش ریخته اند به شدت آنها را تعقیب کند.

پس از رسیدن دو گروه و مقاومت و سرسختی «#خریت»، در مدائن نبرد درگیر شد، آنها با دادن 5 نفر گشته، شبانه به سوی اهواز گریختند، در آنجا عده ای از دزدان و کفار را با خود همراه ساختند، زیاد به بصره آمد و جریان را به کوفه گزارش داد علی(ع) «#معل بن قیس» را با دو هزار سپاه روانه جنگ با آنها نمود و به «#عبدالله بن عباس» فرماندار بصره نوشت که يك فرد شجاع با دو هزار سپاه را به کمک معل بفرستد، ولی معل امیر هر دو لشکر خواهد بود...

معل در کنار کوه های «#رامهرمز» خریث را به چنگ آورد و با او درگیر شد و 70 نفر از بنی ناجیه و 300 نفر از کفار همراه خریث کشته شدند، خریث به سواحل دریا فرار نمود، و در آنجا نیز گروه کثیری از طائفه بنی ناجیه گردآورد و آنها را به مخالفت امام دعوت کرد.

معل جریان فتح را به امام خبر داد و نسبت به بعد از آن دستور خواست امام نامه او را برای مردم خواند و همه نظر دادند، معل وی را تا پایان کار تعقیب نماید و امام(ع) نیز همین دستور را برای معل نوشت و معل حریت را در یکی از شهرهای سواحل دریا پیدا کرد و امان نامه ای که امام برای مردمی که از خریث جدا شوند نوشته بود، برای مردم و طرفداران خریث خواند، گروهی از او جدا شده و در زیر پرچمی که برای امان نصب شده بود جمع گردیدند.

بعد از آن معقل با بقیه به نبرد پرداخت که بالاخره خربت به دست «#نعمان بن صهبان راسبی» کشته شد و «#معقل» زنان و بچه ها را به اسیری گرفت و مسلمانان آنها را آزاد ساخت و کسانی که از اسلام بازگشته بودند به اسلام دعوت نمود و 500 نفر غیرمسلمان به عنوان اسارت همراه خود حرکت داد تا اینکه به «#اردشیر خره» رسید، «#مصقله» که فرماندار امام در این سرزمین بود اسیران را به 500 هزار درهم از معقل خرید(که در واقع يك نوع غرامت جنگی محسوب می شد) تا قیمت آنها را برای امام(ع) بفرستد. امام عقل معقل را ستود، ولی «#مصقله» پس از پرداخت 200 هزار درهم از بقیه ناتوان گردید و به جانب شام فرار کرد در حالی که اگر مانده بود امام(ع) همانطور که خودش می فرماید با او مدارا می نمود.) اقتباس از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد 3، صفحه 127-145.

اهمیت عاقبت اندیشی

شخصی به خدمت رسول اکرم(ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله(ص)، مرا موعظه و نصیحت بفرمایید. حضرت به او فرمود: اگر من بگویم تو به کار می بندی؟ شخص گفت: بلی، یا رسول الله(ص) حضرت باز تکرار کرد: به راستی اگر من بگویم تو آنرا به کار می بندی؟ شخص گفت: بلی یا رسول الله(ص) باز تکرار کرد: به راستی اگر من بگویم تو آنرا به کار می بندی؟ شخص گفت: بلی یا رسول الله(ص) باز يك دفعه دیگر هم حضرت فرمود: این سه بار تکرار برای این بود که می خواست کاملاً آماده شود برای حرفی که می خواهد به او بگوید.

همین که حضرت رسول(ص) سه بار از او اقرار گرفت و آماده اش کرد. فرمودند «#اذا هممت بامر فتدبر عاقبت» یعنی هرگاه تصمیم گرفتی که کاری و عملی را انجام بدهی، قبل از انجام دادن آن به آخرش و نتایج آن اندیشه کن، یعنی عاقبت اندیشی و حساب و کتاب دست به هر کاری نزنید که بعداً پشیمانی و ضرر در آن وجود داشته باشد.

از لوازم مهم و اساسی در تصمیم گیری، آینده نگری و دوراندیشی و توجه به عواقب امور است که البته برای هر انسانی لازم است و برای زمامداران و مدیران لازماً است. آنان که بدون توجه به عاقبت امور و فارغ از آینده نگری تصمیم می گیرند و دست به عمل می زنند پیوسته گرفتار روزمرگی و اسیر اشتباه و پشیمانی اند. سنجیدن جوانب مختلف امور و آینده نگری و عاقبت اندیشی همان تدبیر داشتن است و در تصمیم گیری و اداره امور چیزی همانند تدبیر از اهمیت برخوردار نیست.

در اندیشه سیاسی امیرمؤمنان علی(ع) عاقبت اندیشی و آینده نگری از چنان اعتبار و اهمیتی برخوردار است که زندگی و کار و حرکت بدون آن، فاقد هر خبری است. کسانی که اهل عاقبت اندیشی و آینده نگری نیستند پیوسته در معرض اشتباه و لغزش و سقوط قرار دارند.

از لوازم مدیریت صحیح آن است که پیش از هر کار جوانب آن و عواقب اقدام به آن کار ارزیابی شود و براساس برنامه ای مشخص و آینده نگری تصمیم گیری شود و نیروها و امکانات به کار گرفته شود. در غیر این صورت نمی توان از استعدادها و امکانات به خوبی بهره مند شد و روشن است که تصمیم گیری بدون بررسی همه جانبه و آینده نگری و دوربودن از تدبیر صحیح و خردمندانه موجب اتلاف استعدادها و امکانات و فرو رفتن در مهلکه هاست.

از امیرمؤمنان علی(ع) چنین نقل شده است: اندازه کن، آنگاه ببر، بیندیش، آنگاه سخن بگو، تبیین کن، آنگاه اقدام نما. در مدیریتهای نابخردانه، ابتدا تصمیم گرفته می شود، آن گاه با فرو رفتن در پیامدهای آن، امکانات و نیروی بسیار صرف می شود تا بلکه بشود پیامدهای آنرا جبران کرد. در مدیریتهای بی تدبیر، ابتدا عمل می شود، آنگاه برای رفع عوارض و نتایج اقدامات ناسنجیده و ناپخته و به دور از آینده نگری تلاش می شود و با صرف توان بسیار و هزینه های فراوان سعی می گردد جبران مافات شود.

آینده پژوهی یا آینده شناسی؛ علمی نو

آینده پژوهی(Futures studies) یا آینده شناسی (Futurology) که می توان آنرا علم آینده نیز نامگذاری کرد، نوعی دوراندیشی است که به دنبال آن است تا تغییرات امروز به واقعیات فردا تبدیل شوند و بررسی نماید که آیا احتمال و امکان تغییرات موردنظر وجود دارد؟ آینده پژوهی درصدد است تا منابع، الگوها و دلایل تغییر یا ثبات یک مسأله را به منظور توسعه آینده نگری و گسترش دامنه دوراندیشی را بررسی کند و انتخاب ها و احتمالات مختلف را در نظر بگیرد. به بیان ساده تر، آینده پژوهی مبتنی بر احتمال،

امکان و علاقه به تغییر در زمان حال برای رسیدن به وضعیت مطلوب و دلخواه در آینده است.

این حوزه پژوهشی نوین بر اساس آینده نگری، به دنبال پرسشهایی از این دست است که آینده چگونه خواهد بود؟ چه ترسیمی از آینده یک مسأله (کشور، منطقه، ...) می توان داشت؟ چگونه می توان از رخدادی در چند سال آینده جلوگیری کرد؟ به دیگر سخن، آینده پژوهی شامل گردآوری داده های کمی و کیفی در مورد احتمال، امکان، اولویت و ضرورت تغییر یا تغییرهای خاص است و مبتنی بر آمار موجود و احتمالات آینده است.

همانگونه که پژوهشهای تاریخی (گذشته پژوهی) به دنبال شرح حوادث و اتفاق های گذشته و کشف دلایل رخ دادن آنهاست، آینده پژوهی به دنبال درک نیروهای نهفته و خفته shy& ی زمان حاضر و امکان رخدادهای آینده است. بنابراین در آینده پژوهی باید تمام احتمالات وقوع یک حادثه (خوب یا بد) در آینده را با دقت تمام سنجید.

آینده پژوهی یک حوزه علمی نوین است که در برخی دانشگاه های مهم دنیا تدریس می شود. این حوزه میان رشته ای از حوزه های علمی مختلف چون تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، سیاست، مدیریت (مدیریت ریسک و بحران)، ریاضیات، آمار و علوم طبیعی بهره می گیرد.